

تأملی در روایات مقایسه زیارت کربلا با حج و عمره

جواد جعفری^۱

چکیده

زیارت مزار مطهر امامان علیهم‌السلام به ویژه امام حسین علیه‌السلام در فرهنگ شیعی جایگاه بسیار مهمی دارد. روایات فراوانی اهمیت زیارت را بیان کرده است. در برخی از این روایات، زیارت امامان علیهم‌السلام به ویژه امام حسین علیه‌السلام با حج و عمره مقایسه، و برتری خیره‌کننده زیارت بر حج و عمره بیان شده است. بدفهمی چنین روایاتی گاهی مایه انتقاد و تعرض به شیعه شده است. از این‌رو در نوشته حاضر ابتدا برخی از روایاتی که به این برتری اشاره کرده است بیان شده و در ادامه با بیان شش تأمل سعی شده است تا این بدفهمی اصلاح گردد. ابتدا دلیل تفاوت در مراتب ثواب به تفاوت در شناخت زائر و اوضاع پیرامونی وی تفسیر شده است و در ادامه گفته شده است که مقایسه زیارت با حج و عمره به معنای برتری مستحب بر واجب نیست و مقایسه میان دو عمل مستحب صورت گرفته است؛ در دو عمل مستحب نیز مقایسه به لحاظ خاصیت عمل است، نه خود عمل و آن خاصیت مهم که در زیارت است، همان ترویج و تقویت امامت و رهبری جامعه به دست ولی الهی است. در پایان تذکر داده شده است که بیان ثواب‌های شگفت‌آور زیارت در مقایسه با حج و عمره به معنای روی‌گردان کردن مردم از حج و عمره نیست؛ بلکه ترغیب آنان به حضور هر چه بیشتر در حرم‌های امامان علیهم‌السلام به ویژه امام حسین علیه‌السلام است.

کلیدواژه‌ها: زیارت امام حسین علیه‌السلام، روایات زیارت، برتری زیارت بر حج و عمره، مقایسه زیارت با حج و عمره.

۱. عضو گروه کلام و معارف پژوهشکده حج و زیارت.

مقدمه

زیارت اولیای الهی در فرهنگ شیعی جایگاه بسیار مهم و والایی دارد. روایات فراوانی به بیان عظمت زیارت پیامبر اسلام ﷺ و اهل بیت پاک ایشان علیهم السلام پرداخته است. در این میان، روایت‌هایی وجود دارد که به مقایسه ثواب و جایگاه زیارت امامان علیهم السلام به ویژه امام حسین علیه السلام با ثواب و اهمیت حج و عمره پرداخته است.

چنین روایاتی در نگاه اول به ویژه نزد مخالفان تشیع، نشانه غلو یا حتی اهانت به فریضه عظیم حج و عمره تلقی شده است. از این رو فهم درست معنای چنین روایاتی اهمیت فراوانی دارد. در زمان حاضر نیز چون وهابیت با بهره‌گیری از انواع رسانه‌های جمعی این مسئله را به شدت تبلیغ کرده، از این روایات به عنوان سندی بر عقیده نداشتن شیعه به حرمین شریفین سوء استفاده می‌کند، ضرورت دارد تا این روایات مورد واکاوی قرار گیرد تا ضمن فهم درست کلام اهل بیت علیهم السلام و بالا بردن معرفت زائر از بهره‌گیری نابحق دشمنان تشیع جلوگیری شود. نوشته حاضر به دنبال بیان متن روایات مقایسه زیارت با حج و عمره و ارائه معنایی قابل پذیرش از آن است. از این رو ابتدا متن برخی از این روایات ذکر می‌شود و در ادامه تلاش می‌شود با توجه به روایات مشابه، معنایی در خور ارائه گردد.

متن روایات مقایسه زیارت امام حسین علیه السلام با حج و عمره

روایت اول: برابری با یک حج و عمره

عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ قَالَ: سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ زِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام فَقَالَ فِيهَا حَجَّةٌ وَعُمْرَةٌ (ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۶۰).

حسین بن مختار گوید از امام صادق علیه السلام از زیارت مزار [امام] حسین علیه السلام سؤال شد. فرمود: «در آن حج و عمره است».



روایت دوم: برابری با ده حج و عمره

عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ قَالَ: ... فَقُلْتُ لَهُ (أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام): بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي رُوي عَنْ أَبِيكَ الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ قَالَ نَعَمْ حِجَّةً وَ عُمْرَةً حَتَّى عَدَّ عَشْرَةَ (همان، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۵۸).
هارون بن خارجه گوید: ... به ایشان (امام صادق عليه السلام) عرض کردم: «پدر و مادرم فدای شما، از پدرتان روایت شده است حج و عمره». فرمود: «بله، حج و عمره...» تا اینکه ده تا شمرد.

در برخی روایات به برابری با بیست حج،^۱ بیست و پنج حج،^۲ سی حج،^۳ پنجاه حج^۴ و هشتاد حج^۵ اشاره شده است.

روایت سوم: برابری با صد حج با پیامبر صلی الله علیه و آله

عَنْ صَالِحِ النَّيْلِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام عَارِفًا بِحَقِّهِ كَانَ كَمَنْ حَجَّ مِائَةَ حِجَّةٍ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله (همان، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۶۲).

۱. عَنْ يَزِيدَ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ قَالَ: كُنْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام ... قَالَ زِيَارَتُهُ خَيْرٌ مِنْ حِجَّةٍ وَ عُمْرَةٍ حَتَّى عَدَّ عَشْرِينَ حِجَّةً وَ عُمْرَةً ثُمَّ قَالَ مَبْرُورَاتٍ مُتَقَبَّلَاتٍ (ابن قولويه، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۶۰).
۲. عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْمَدَائِنِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ آتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام قَالَ نَعَمْ ... فَإِنَّكَ إِذَا زُرْتَهُ كَتَبَ اللَّهُ لَكَ بِهِ خَمْسًا وَ عَشْرِينَ حِجَّةً (همان، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۶۱).
۳. عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ الْحَضْرَمِيِّ قَالَ: قَدِمَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي أَوَّلِ وَلايَةِ أَبِي جَعْفَرٍ فَزَلَّ النَّجَفَ ... فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَجِئْتُ مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ لَيْسَ إِلَّا لِلزِّيَارَةِ؟ قَالَ جِئْتُ مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ إِلَّا أَنْ أَصِلَ عِنْدَهُ وَ أُرَوِّدَهُ فَأَسْلَمَ عَلَيْهِ وَ أَرْجِعَ إِلَى أَهْلِي ... قَالَ إِنَّ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ عليه السلام تَعْدِلُ حِجَّةً مَقْبُولَةً زَاكِيَةً مَعَ رَسُولِ اللَّهِ فَتَعَجَّبَ مِنْ ذَلِكَ قَالَ إِي وَ اللَّهِ وَ حِجَّتَيْنِ مَبْرُورَتَيْنِ مُتَقَبَّلَتَيْنِ زَاكِيَتَيْنِ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ فَتَعَجَّبَ فَلَمْ يَزَلْ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَزِيدُ حَتَّى قَالَ ثَلَاثِينَ حِجَّةً مَبْرُورَةً مُتَقَبَّلَةً زَاكِيَةً مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله (همان، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۶۲).
۴. عَنْ مُسْعَدَةَ بِنِ صَدَقَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَا لِمَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام قَالَ تَكْتَبُ لَهُ حِجَّةً مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ قُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ حِجَّةً مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ نَعَمْ وَ حِجَّتَانِ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ حِجَّتَانِ قَالَ نَعَمْ وَ ثَلَاثَ فَمَا زَالَ يَعُدُّ حَتَّى بَلَغَ عَشْرًا قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ عَشْرًا حِجَجٍ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ نَعَمْ وَ عَشْرُونَ حِجَّةً قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَ عَشْرُونَ فَمَا زَالَ يَعُدُّ حَتَّى بَلَغَ خَمْسِينَ فَسَكَتُ (همان، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۶۴).
۵. عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ ثَمَانِينَ حِجَّةً مَبْرُورَةً (همان، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۶۲).

صالح نیلی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «کسی که با شناخت حق [امام] حسین علیه السلام بر مزارش آید، مانند کسی خواهد بود که صد بار به همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله حج گزارده است».

روایت چهارم: برابری با هزار حج و عمره

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْحَسَنُ عَلَى عَائِقِهِ وَالْحُسَيْنُ عَلَى فَخْزِهِ يُلْتَمِهُمَا وَيُقْبَلُهُمَا وَيَقُولُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالِاهُمَا وَعَادِمَا [مَنْ] عَادَاهُمَا ثُمَّ قَالَ يَا ابْنَ عَبَّاسٍ كَأَنِّي بِهِ وَقَدْ خُضِبَتْ شَيْبَتُهُ مِنْ دَمِهِ يَدْعُو فَلَا يُجَابُ وَيَسْتَنْصِرُ فَلَا يُنْصَرُ قُلْتُ مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ شِرَارُ أُمَّتِي مَا لَهُمْ لَا أَنَالَهُمُ اللَّهُ شَفَاعَتِي ثُمَّ قَالَ يَا ابْنَ عَبَّاسٍ مَنْ زَارَهُ عَارِفًا بِحَقِّهِ كُتِبَ لَهُ تَوَابُ أَلْفِ حَجَّةٍ وَأَلْفِ عُمْرَةٍ أَلَا وَمَنْ زَارَهُ فَكَأَنَّمَا زَارَنِي وَمَنْ زَارَنِي فَكَأَنَّمَا زَارَ اللَّهَ وَحَقَّ الزَّائِرِ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يُعَذَّبَهُ بِالنَّارِ (خزاز رازی، ۱۴۰۱ق، ص ۱۶).

عبدالله بن عباس گوید: به محضر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شدم در حالی که [امام] حسن بر گردن ایشان، و [امام] حسین بر روی پای ایشان بود. هر دو را می‌بوسید و می‌فرمود: «خدایا با هر کس که با این دو دوستی کند، دوست باش و با هر که با این دو دشمنی کند، دشمن باش». سپس فرمود: «ای ابن عباس، گویی او را می‌بینم در حالی که محاسنش از خونش رنگین شده است. صدا می‌زند اما جوابی نمی‌آید. کمک می‌طلبد اما کمکی نمی‌شود». عرض کردم: «ای رسول خدا، چه کسی چنین می‌کند؟» فرمود: «بد نهادان از امت من. آنها را چه شده است؟! خداوند شفاعت مرا به آنان نرساند». سپس فرمود: «ای ابن عباس، هر کس او را با شناخت حقش زیارت کند، برایش هزار حج و هزار عمره نوشته شود. بدان که هر کس او را زیارت کند، مثل این است که مرا زیارت کرده است و هر کس مرا زیارت کند، همانند کسی است که خدا را زیارت کرده است و حق زائر بر خداوند این است که او را با آتش عذاب نکند».

روایت پنجم: برابری هر قدم با یک حج و عمره

عَنْ قَدَامَةَ بْنِ مَالِكٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ مُحْتَسِبًا لَا أَسْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا رِبَاءً وَلَا سُمْعَةً مُحْصَتَ عَنْهُ ذُنُوبُهُ كَمَا يَمْحُصُ الثُّوبَ بِالْمَاءِ فَلَا يَبْقَى عَلَيْهِ دَنْسٌ وَ يُكْتَبُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حِجَّةٌ وَ كُلُّ مَا رَفَعَ قَدَمًا عُمْرَةً (ابن قولويه، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۴۴).

قدامه بن مالک گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: «کسی که برای خدا [امام] حسین عليه السلام را زیارت کند، نه برای غرور و تکبر و نه برای به چشم و گوش دیگران رساندن، گناهانش پاک می‌شود؛ همان‌گونه که لباس با آب پاک می‌گردد و پلیدی بر او نمی‌ماند و برای هر قدمش حجی، و هر گامی که برمی‌دارد، عمره‌ای نوشته می‌شود».

روایت ششم: برابری با نود حج و عمره پیامبر صلی الله علیه و آله

عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: كَانَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام ذَاتَ يَوْمٍ فِي حَجْرٍ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله يُبَايِعُهُ وَ يُصَاحِبُهُ فَقَالَتْ عَائِشَةُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا أَشَدَّ إِعْجَابَكَ بِهَذَا الصَّبِيِّ فَقَالَ لَهَا وَبِئِكَ وَ كَيْفَ لَا أُحِبُّهُ وَ لَا أُعْجَبُ بِهِ وَ هُوَ نَمْرَةٌ فَوَادِي وَ قُرَّةٌ عَيْنِي أَمَا إِنَّ أُمَّتِي سَتَقْتُلُهُ فَمَنْ زَارَهُ بَعْدَ وَفَاتِهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حِجَّةً مِنْ حِجَجِي قَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ حِجَّةً مِنْ حِجَجِكَ قَالَ نَعَمْ حِجَّتَيْنِ مِنْ حِجَجِي قَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ حِجَّتَيْنِ مِنْ حِجَجِكَ قَالَ نَعَمْ وَ أَرْبَعَةَ قَالَ فَلَمْ تَزَلْ تَزَادُهُ [تُرَادُهُ] وَ يَزِيدُ وَ يُضْعِفُ حَتَّى بَلَغَ تِسْعِينَ حِجَّةً مِنْ حِجَجِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله بِأَعْمَارِهَا (همان، ۱۳۵۶ ش، ص ۶۸).

کسی از امام صادق عليه السلام نقل کرده است که فرمود: روزی [امام] حسین در آغوش پیامبر صلی الله علیه و آله بود. پیامبر با او بازی می‌کرد و او را می‌خنداند. عایشه گفت: «ای رسول خدا!، چقدر این کودک توجه شما را جلب کرده است!» پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: «وای بر تو! چگونه او را دوست نداشته باشم و تو چشم را جلب نکند، درحالی که او میوه دلم و روشنی چشمم است؛ اما امت من او را خواهند کشت. پس کسی که بعد از شهادتش او را زیارت کند، خداوند برای او یک حج از حج‌های من می‌نویسد». عایشه گفت: «ای رسول خدا، یک حج از حج‌های

شما؟!» فرمود: «بله، دو حج از حج‌های من». گفت: «ای رسول خدا، دو حج از حج‌های شما؟!» فرمود: «بله و چهار» و مدام افزود و چند برابر کرد تا رسید به نود حج از حج‌های رسول خدا ﷺ با عمره‌هایش.

روایاتی از این نوع، گویای اهمیت و عظمت زیارت مرقد مطهر حضرت سیدالشهدا علیه السلام است و مقایسه آن با حج و عمره، این عظمت را آشکارتر می‌کند. در مورد این روایات توجه به برخی نکات لازم است.

توضیح روایات مقایسه زیارت امام حسین علیه السلام با حج و عمره

تامل اول: دلیل تفاوت در برابری

بیان برابری‌های مختلف در روایات نقل شده، نشان اختلاف و پریشانی در روایات نیست؛ زیرا در فرهنگ دینی، میزان شناخت (معرفت) و خلوص نیت افراد، همچنین وضعیت زمانی و مکانی به لحاظ دشواری و آسانی کار در میزان ثواب تأثیرگذار است؛ چنان که در برخی روایات به این نکات تصریح شده است که «با شناخت حق امام» به زیارت برود یا «به خاطر خدا» باشد و «ریا و سُمعه» در آن نباشد و قصد خودنمایی یا خوشگذرانی نداشته باشد.

بدیهی است که میزان خلوص و دخالت این عناصر، می‌تواند ارزش کار را بیشتر یا کمتر کند. افزون بر اینکه سختی راه، ناامنی آن یا دوری و نزدیکی راه، مساعد یا نامساعد بودن هوا و اوضاع جوی یا اوضاع فرهنگی و اقتصادی جامعه و فرد، همه و همه در میزان ارزش زیارت و در پی آن در برابری آن با حج و عمره دخالت دارد.

وقتی علی بن مهزیار از امام جواد علیه السلام پرسید: «چرا زیارت پدر شما برتر از زیارت امام حسین علیه السلام است»، ایشان پاسخ داد:

وَذَلِكَ أَنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَزُورُهُ كُلُّ النَّاسِ وَأَبِي لَا يَزُورُهُ إِلَّا الْأَحْوَاثُ مِنَ الشَّيْعَةِ (كلینی،

۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۸۴).

زیرا امام حسین علیه السلام را همه مردم زیارت می‌کنند، اما پدرم را کسی جز شیعیان ویژه زیارت نمی‌کند.

این حدیث نشان می‌دهد حتی میزان زوار و نوع باورهای آنان در میزان ارزش زیارت مؤثر است.

تأمل دوم: برتری حج واجب بر زیارت

وهابی‌ان بدون درک معنای احادیث نقل‌شده از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام در مورد برتری

زیارت بر حج، آن را نشان شرک دانسته‌اند. ابن تیمیه می‌نویسد:

وَحَدَّثَنِي الثَّقَاتُ أَنَّ فِيهِمْ مَنْ يَرُونَ الْحَجَّ إِلَيْهَا أَعْظَمَ مِنَ الْحَجِّ إِلَى الْبَيْتِ الْعَتِيقِ، فَيَرُونَ
الْإِشْرَاقَ بِاللَّهِ أَعْظَمَ مِنْ عِبَادَةِ اللَّهِ، وَهَذَا مِنْ أَعْظَمِ الْإِيمَانِ بِالطَّاعُوتِ (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ ق،
ج ۳، ص ۴۵۱).

افراد مورد اعتماد به من گفتند در میان آنها (شیعیان) کسانی هستند که رفتن به زیارت را بزرگ‌تر از رفتن به حج می‌دانند. پس شریک قرار دادن به خداوند را بزرگ‌تر از بندگی خداوند می‌دانند و این از بزرگ‌ترین باور داشتن‌ها به طاغوت است.

قفاری، وهابی معاصر، در توضیح سخن ابن تیمیه می‌نویسد:

أَنَّهَا رَوَايَاتُ الْهَدَفِ مِنْهَا صَرَفَ النَّاسَ عَنْ عِبَادَةِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ إِلَى عِبَادَةِ الْمُخَالِقِ
الضَّعْفَاءِ، وَغَايَتُهَا التَّحَلُّلُ مِنْ تَكَالِيفِ الْإِسْلَامِ وَشَرَائِعِ الدِّينِ إِلَى مَجْرَدِ نَقْلِ الْقَدَمِ
إِلَى قَبْرِ لِيَحْصَلَ بِذَلِكَ عَلَى كُلِّ الْأَجْرِ، حَتَّى تَنْتَهِيَ بِمَعْتَقِدِهَا إِلَى ضَرْبٍ مِنَ الْإِبَاحِيَّةِ،
وَإِلْعْرَاضٍ عَنْ أَوْامِرِ اللَّهِ وَشَرَائِعِهِ، وَالتَّعَدِي عَلَى مُحَارَمَةِ (قفاری، ۱۴۱۴ ق، ج ۲، ص ۴۵۷).

اینها روایاتی است که هدف از آنها روی گردان کردن مردم از بندگی خداوند واحد قهار به سوی بندگی مخلوقات ضعیف است و نتیجه آن، آزادسازی از تکالیف اسلام و شرایع دین است به سمت صرف قدم برداشتن به سوی قبر برای رسیدن به تمام پاداش، تا اینکه باورمند به آن را در نهایت به نوعی از اباحه و روی گردانی از دستورهای خداوند و شرایع و دستگیری به حرام‌ها می‌رساند.

در پاسخ به این شبهات باید گفت هرگز معنای این روایات آن نیست که زیارت

امام حسین علیه السلام بر حج مقدم باشد یا بخواهند حج را ترک کنند و تنها زیارت کربلا را انجام دهند؛ زیرا حج واجب است و زیارت امام حسین علیه السلام به اتفاق همه فقهای شیعه مستحب است و مستحب هرگز با واجب تعارض پیدا نمی‌کند؛ بلکه هنگام تعارض، امر مستحب (زیارت) اصلاً استحبایی ندارد.

زیارت امام حسین علیه السلام گرچه فی نفسه مستحب است، لکن استحباب آن مشروط است به آنکه با واجب تراحم پیدا نکند و شارع مقدس وقتی استحباب چیزی را امضا می‌کند که موجب ترک واجب یا انجام حرامی نباشد؛ زیرا مستحبی که موجب ترک واجب بشود، آن مستحب مشروعیت ندارد. از این رو شرط صحت انعقاد نذر آن است که آن عمل، راجح باشد و مستحبی که موجب ترک واجب شود، هیچ‌گونه رجحانی ندارد». پس حتی اگر نذر زیارت امام حسین علیه السلام کرده است و این نذر موجب ترک حج شود، نذر او باطل است و باید به حج برود. مسئله تقدم واجب بر مستحب مورد اتفاق همه علمای شیعه است و در صورت نذر مستحبی که با واجب تعارض داشته باشد، باز نظر راجح در علمای شیعه آن است که نذر باطل است و حج مقدم است (عابدی، بی‌تا، ص ۱۹۵).

تأمل سوم: مقایسه با حج واجب یا مستحب

مقصود از حج و عمره در تمام روایاتی که ثواب زیارت کربلا را چند برابر حج و عمره معرفی کرده، حج و عمره استحبایی است، نه حج و عمره واجب. دلیل این مدعا حدیثی است که یونس از امام رضا علیه السلام نقل کرده است:

مَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ علیه السلام فَقَدْ حَجَّ وَاعْتَمَرَ قَالَ قُلْتُ يَطْرُحُ عَنْهُ حِجَّةُ الْإِسْلَامِ قَالَ لَا هِيَ حِجَّةُ الضَّعِيفِ حَتَّى يَقْوَى وَيُحَجَّ إِلَى بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ (ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۹۵).

کسی که مزار [امام] حسین علیه السلام را زیارت کند، حج و عمره به عمل آورده است. عرض کردم: حجّه الاسلام (حج واجب) از وی رفع می‌شود؟ فرمود: خیر، زیارت، حج ضعیف است تا قوّت گیرد و حج بیت الله الحرام را به جای آورد. همچنین وقتی عبدالکریم بن حسان از امام صادق علیه السلام در مورد برابری زیارت مزار

امام حسین علیه السلام با حج عمره می‌پرسد، امام چنین پاسخ می‌فرماید:

إِنَّمَا الْحَجُّ وَالْعُمْرَةُ هَاهُنَا وَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا أَرَادَ الْحَجَّ وَ لَمْ يَتَهَيَّأْ لَهُ فَأَتَاهُ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حِجَّةً
وَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا أَرَادَ الْعُمْرَةَ وَ لَمْ يَتَهَيَّأْ لَهُ فَأَتَاهُ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عُمْرَةً (همان، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۵۸).

حج و عمره تنها در اینجا (مکه) است و اگر کسی قصد حج کرد و برای آن آمادگی لازم را نیافت، پس به زیارت مزار امام حسین علیه السلام رفت، خداوند برای او حجی می‌نویسد و اگر کسی قصد عمره کرد و برای آن آمادگی لازم را نیافت، پس به زیارت مزار امام حسین علیه السلام رفت، خداوند برای او عمره‌ای می‌نویسد.

چنان‌که ملاحظه می‌شود، امام تصریح می‌کند که حج و عمره تنها در سرزمین وحی صورت می‌گیرد و چیزی جایگزین آن نمی‌شود و زیارت تنها برای کسانی این ثواب را دارد که از رفتن به حج و عمره به هر دلیلی ناتوان هستند.

پس در این روایات، یک عمل مستحب با عمل مستحب دیگر مقایسه شده است. پس کسی که حج را انجام ندهد در حالی که مستطیع بوده است، چنانچه به زیارت امام حسین علیه السلام برود، زیارت او هیچ ثوابی نخواهد داشت؛ زیرا قرآن فرموده است: «خداوند اعمال را تنها از متقین می‌پذیرد» (مائده: ۲۷) و چنین شخصی شرط تقوا را نداشته است.

تأمل چهارم: اختلاف برابری نتیجه اختلاف خاصیت

حال که روشن شد روایات در صدد مقایسه امر واجب با مستحب نیست و دو امر مستحب باهم مقایسه می‌شود، جا دارد به نکته ظریف علامه مجلسی در اینجا اشاره شود. ایشان می‌گوید: یک دلیل برتری عملی نسبت به عمل دیگر، می‌تواند مقایسه به لحاظ تأثیر روحی عمل باشد، نه خود عمل؛ یعنی شارع در مقام بیان برتری خود زیارت بر خود حج و عمره نیست؛ بلکه سخن در خاصیت آن عمل است. ایشان مثالی از خاصیت در بدن می‌زند تا مطلب روشن گردد: برای نمونه در مورد کسی که تشنه است و بدنش آب نیاز دارد، اگر گفته شود جرعه‌ای آب بهتر از هزار کیلو نان است، سخن گزافی نیست؛ چنان‌که اگر در مورد کسی که گرسنه است گفته شود لقمه‌ای نان برتر از یک رودخانه آب است، سخن درستی خواهد

بود. پس سخن در مقایسه ارزش خاصیت و عمل کرد است، نه مقایسه ارزش خود نان و آب. اعمال عبادی نیز غذای روح است. بنابراین عملی می‌تواند برای روح انسان خاصیت بسیار حیاتی و تأثیرگذاری داشته باشد و از این جهت بر اعمال دیگر برتری یابد نه آنکه خود عمل بر عمل دیگر برتری داشته باشد (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۴، ص ۱۰).

ممکن است گفته شود چگونه امکان دارد خاصیت زیارت برای روح انسان بیش از خاصیت حج و عمره باشد؟ پاسخ این پرسش را می‌توان از بیان فقیه و فیلسوف بزرگ، ملا محسن فیض کاشانی رحمته‌الله یافت وی می‌گوید: اولاً هر کسی که ادعای مسلمانی می‌کند - حتی اگر ناصبی باشد - اهل حج، عمره، جهاد و امثال آن است، در حالی که زیارت ائمه اطهار علیهم‌السلام به کسانی اختصاص دارد که هر چند ناقص، به قدر و منزلت آنان معرفت داشته و به ایشان معتقد است؛

ثانیاً حرم‌های شریف ائمه علیهم‌السلام مشهد ارواح بلند و مقدس آنان و محل حضور اشباح برزخی نوری‌شان است. آن ارواح بلند، در حالی که زنده، خوشحال و روزی خورنده از فضل پروردگارشان هستند، در آن مکان‌های شریف حضور پیدا می‌کنند و زائر در فضایی که روح امام معصوم حضور دارد، نفس می‌کشد و عبادت و راز و نیاز می‌کند؛

ثالثاً زیارت ائمه علیهم‌السلام صله و نیکی به خود آنان، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، امیرالمؤمنین علیه‌السلام، فاطمه زهرا علیها‌السلام، شیعیان، دوستان‌انسان و بلکه نیکی به سایر انبیا و اوصیای الهی علیهم‌السلام است و موجب خوشحالی آنان، اجابت دعوت، تجدید عهد با ولایت، زنده نگه داشتن مرام آنان، و غلبه بر دشمنانشان می‌گردد. همه اینها عبادت خداست و سبب می‌شود که انسان به فضایل و برکاتی که نزد خداست، برسد و به رضای او دست یابد؛ زیرا اگر خوشحال کردن مؤمن عادی آن همه فضیلت و ثواب دارد، فضیلت و ثواب خوشحال کردن پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه اطهار علیهم‌السلام غیر قابل وصف خواهد بود؛ زیرا آنان از خطا و گناه معصوم‌اند و خداوند آنها را امام مؤمنان و پیشرو پروا پشگان قرار داد؛ آسمان و زمین را برای آنان آفرید. آنها صراط، سبیل و راهنمای به سوی او، دروازه رحمت الهی، وسیله ارتباط بین او و بندگانش هستند؛ اما حج، عمره، جهاد و مانند

آن، اگرچه موجب انفاق مال، ترک وطن، تحمل مشقت‌ها و... می‌گردد، فضیلت این امور در حد زیارت نیست؛ زیرا با آنکه عبادت الهی، اجابت امر او و موجب خشنودی خدا و اولیای او می‌شود، اما آن فضایل دیگر را کم‌تر می‌توان در اینها یافت (ر.ک: آقایی، ۱۳۸۷).

تأمل پنجم: ولایت، روح تمام عبادات

برخی اعمال به لحاظ خاصیت می‌تواند بسیار مهم باشد. دسته‌ای از روایات که به روایات پایه‌های اسلام یا «دعائم الاسلام» معروف است، به این مطلب اشاره روشنی دارد؛ برای نمونه امام باقر علیه السلام فرمودند:

بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ وَكَمْ يُنَادِ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۸).

اسلام بر پنج چیز بنا شد: بر نماز و زکات و روزه و حج و ولایت، و به چیزی دعوت نشد آن‌گونه که به ولایت دعوت شد.

چنان که ملاحظه می‌شود، امام پس از شمارش ارکان مهم اسلام ولایت را برتر از دیگر ارکان معرفی می‌کند. دلیل این برتری نیز در روایات بیان شده است. زراره یکی از روایان دانشمند اهل بیت علیهم السلام می‌گوید: وقتی امام باقر علیه السلام ارکان اسلام را شمردند، من به ایشان عرض کردم: «کدام یک برترند؟» و امام فرمود:

الْوَلَايَةُ أَفْضَلُ لِأَنَّهَا مِفْتَاحُهُنَّ وَالْوَالِي هُوَ الدَّلِيلُ عَلَيْهِنَّ (همانجا).

ولایت برتر است؛ زیرا کلید آنهاست و ولی تنها کسی است که به آنها راهنمایی می‌کند. آری، راز برتری ولایت بر سایر ارکان اسلام این است که بدون ولایت به ارکان دیگر نمی‌توان راه یافت (دلیل) و وارد شد (کلید). بدون ولایت سایر عبادات جسدی بی‌روح خواهد بود که هیچ خاصیتی ندارد. از این‌رو اهمال در امر ولایت موجب می‌شود اعمال دیگر نیز بی‌ثمر شود. امام باقر علیه السلام در این مورد می‌فرمایند:

ذُرْوَةُ الْأَمْرِ وَسَنَامُهُ وَمِفْتَاحُهُ وَبَابُ الْأَشْيَاءِ وَرِضَا الرَّحْمَنِ الطَّاعَةَ لِلْإِمَامِ بَعْدَ مَعْرِفَتِهِ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّى فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ

حَفِيظًا» (نساء: ۸۰) أَمَا لَوْ أَنَّ رَجُلًا قَامَ لَيْلَهُ وَصَامَ نَهَارَهُ وَتَصَدَّقَ بِجَمِيعِ مَالِهِ وَحَجَّ جَمِيعَ دَهْرِهِ وَلَمْ يَعْرِفْ وَلَا يَءِةَ وَلِيَّ اللَّهِ فَيُؤَالِيَهُ وَيَكُونُ جَمِيعَ أَعْمَالِهِ بِدَلَالَتِهِ إِلَيْهِ مَا كَانَ لَهُ عَلَى اللَّهِ جَلٌّ وَعَزٌّ حَقٌّ فِي ثَوَابِهِ وَلَا كَانَ مِنْ أَهْلِ الْإِيمَانِ ثُمَّ قَالَ أَوْلَيْكَ الْمُحْسِنُ مِنْهُمْ يُدْخِلُهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ بِفَضْلِ رَحْمَتِهِ (همان، ۱۴۰۷ق، ص ۱۹).

بالاترین مرتبه امر دین و کلیدش و در همه چیز و مایه خرسندی خدای رحمان، اطاعت امام است بعد از شناخت او. خداوند عز و جل می فرماید: «هر که پیغمبر را فرمان برد، خدا را فرمان برده است و هر که پشت کند، ما تو را به نگهبانی آنها نفرستاده ایم». اگر مردی شبها را به عبادت بپا خیزد و روزها را روزه دارد و تمام اموالش را صدقه دهد و در تمام دوران عمرش به حج رود و امر ولایت ولی خدا را نشناسد تا از او پیروی کند و تمام اعمالش با راهنمایی او باشد، برای او از ثواب خدای جل و عز حقی نیست و او از اهل ایمان نباشد. سپس فرمود: خدا نیکوکاران از ایشان را به فضل رحمت خود داخل بهشت کند.

چنین روایاتی دلیل برتری فراوان ولایت و نقش کلیدی آن را به روشنی بیان می کند. با توجه به این حقیقت، معلوم می شود که توجه به حرم مطهر امامان علیهم السلام به دلیل تقویت ایمان به ولایت، که رکن اصلی اسلام است، بسیار مورد تأکید شرع واقع شده است و امامان علیهم السلام در این مورد باهم مشترک اند. امام صادق علیه السلام در مورد زیارت حضرت علی علیه السلام فرمودند:

مَنْ زَارَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام مَا شَبَّاهُ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَجَّةً وَ عُمْرَةً فَإِنْ رَجَعَ مَا شَبَّاهُ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَجَّتَيْنِ وَ عُمْرَتَيْنِ (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶ ص ۲۰).

کسی که امیرالمؤمنین علیه السلام را پای پیاده زیارت کند، خداوند به هر قدمی یک حج و یک عمره برای او می نویسد و اگر پیاده برگردد، خداوند به هر قدمی، دو حج و دو عمره برای او ثبت می کند.

یحیی بن سلیمان از امام کاظم علیه السلام در مورد زیارت امام رضا علیه السلام نقل می کند:

مَنْ زَارَ قَبْرَ وَلَدِي عَلِيٍّ كَانَ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ كَسَبِعِينَ حَجَّةً مَبْرُورَةً قَالَ قُلْتُ سَبْعِينَ حَجَّةً قَالَ

نَعَمْ وَ سَبْعِينَ أَلْفَ حَجَّةٍ قَالَ قُلْتُ سَبْعِينَ أَلْفَ حَجَّةٍ قَالَ رَبُّ حَجَّةٍ لَا تُقْبَلُ مِنْ زَارِهِ وَ
 بَاتَ عِنْدَهُ لَيْلَةً كَانَ كَمَنْ زَارَ اللَّهَ فِي عَرْشِهِ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۸۵).

هر کس فرزندم علی را زیارت کند، برای او نزد خداوند هفتاد حج پسندیده است. عرض کردم: هفتاد حج؟! فرمود: بله و بلکه هفتاد هزار حج. عرض کردم: هفتاد هزار حج؟! فرمود: چه بسا حجی پذیرفته نشود. هر کس او را زیارت کند و یک شب را نزد ایشان بگذراند، همانند کسی است که خداوند را در عرش خود زیارت کرده است.

امام جواد علیه السلام نیز از امام صادق علیه السلام قانون کلی را چنین بیان می‌دارد: «مَنْ زَارَ وَاحِدًا مِمَّا كَانَ كَمَنْ زَارَ الْحُسَيْنِ علیه السلام» (شیخ صدوق، ۱۴۰۶ق، ص ۹۸): «هر کس یکی از ما را زیارت کند، همانند کسی است که [امام] حسین علیه السلام را زیارت کند».

باز از همین روست که در روایات بیان شده است که فریضه حج نیز برای کامل شدن به ولایت نیاز دارد. امام باقر علیه السلام فرمودند: «تَمَامُ الْحَجِّ لِقَاءُ الْإِمَامِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۴۹): «کامل شدن، حج ملاقات امام است». در حدیث دیگری از امام باقر علیه السلام این مطلب مهم چنین توضیح داده شده است:

نَظَرَ إِلَى النَّاسِ يَطُوفُونَ حَوْلَ الْكَعْبَةِ فَقَالَ هَكَذَا كَانُوا يَطُوفُونَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ إِنَّمَا أَمَرُوا أَنْ يَطُوفُوا بِهَا ثُمَّ يَنْفِرُوا إِلَيْنَا فَيَعْلَمُونَ وَلَا يَتَّبِعُونَ وَمَوَدَّتْهُمْ وَ يَعْرِضُوا عَلَيْنَا نَصْرَتَهُمْ ثُمَّ قَرَأَ هَذِهِ الْآيَةَ: ﴿فَاجْعَلْ أَفْتِدَاءَ مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ﴾ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۹۲).

امام به مردمی که گرداگرد کعبه طواف می‌کردند، نگاه کرد و سپس فرمود: «در دوران جاهلیت (پیش از اسلام) نیز این چنین طواف می‌کردند. تنها به این دلیل مأمور شدند گرد آن طواف کنند که بعد از آن به سوی ما سفر کنند و ولایت و مودتشان را به ما اطلاع دهند و یاری‌شان را به ما عرضه کنند» و بعد امام این آیه را قرائت کردند: «پس دل‌های برخی از مردم را به سوی آنان گرایش ده».

بر اساس این بیان امام باقر علیه السلام، اصل تشریح حج و تشویق مردم برای حضور در آن برای نشان دادن ولایت به امامان علیهم السلام و یاری کردن آنان است. از این رو طبیعی است که زیارت حرم

امامان علیهم السلام که نمود بیشتری در امر ولایت دارد، ثواب دو چندان داشته باشد. در واقع، همه این روایات می‌خواهند جامعه را به این مسئله توجه دهند که روح همه عبادات، که حج جامع‌ترین آنهاست، حاکمیت نظام اسلامی است و این روایات، بیان می‌کنند که حاکمیت نظام مبتنی بر آرمان‌های توحیدی، با رهبری امام عادل تحقق می‌یابد و این، روح همه عبادات است؛ زیرا در سایه حاکمیت اهل بیت است که همه ارزش‌ها در جامعه تحقق می‌یابند؛ به بیانی دیگر رهبری امام عادل که جلوه کامل حاکمیت توحید است، روح و جوهر حقیقی حج است و حجی با حقیقت همراه است که در سایه رهبری امام عادل باشد. اما آن حجی که در حاکمیت طاغوت انجام می‌شود، در واقع، ظاهر حج است. سراسر حج، لیبیک‌گویی به خدای واحد و براءت از مشرکین است. بنابراین جامعه‌ای که بنای مبارزه با شرک و کفر و سردمداران شرک و کفر را ندارد، حج در آن جامعه، واقعیت پیدا نمی‌کند. حجی که با نظام توحیدی و امامت پیوند نخورد، در واقع حج جاهلیت است.

تأمل ششم: بیان برتری برای بازدارندگی یا تشویق

یکی از شبهات وهابیت این است که بیان این ثواب‌های فراوان برای روی‌گردان کردن مردم از حج و زیارت است.^۱ اما این سخن بسیار نارواست.

نخستین پیام روایات مزبور این است که می‌خواهند به امور مهم و سرنوشت‌ساز اجتماعی جامعه اسلامی توجه دهند (ولایت و رهبری) و مقصود این نیست که از اهمیت حج بکاهند؛ زیرا اگر حج اهمیت نداشته باشد، معیار قرار دادن آن، مناسبتی ندارد و اینکه زیارت اهل بیت علیهم السلام را با حج مقایسه می‌کنند، نشان می‌دهد که حج، مهم است؛ ولی زیارت اهل بیت علیهم السلام به دلیل ویژگی خاص آنان (امامت جامعه)، مهم‌تر است.

این موضوع، به زیارت اهل بیت علیهم السلام هم اختصاص ندارد. در روایاتی نقل شده که اصلاح میان زن و شوهر یا صبر در مصائب،^۲ پاداش هزار شهید را دارد. این روایات، نمی‌خواهد

۱. آنها روایات الهدف منها صرف الناس عن عبادة الواحد القهار (فقاری، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۴۵۷).

۲. مَا مِنْ عَبْدٍ مُسْلِمٍ ابْتَلَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِمَكْرُوهٍ وَصَبَرَ إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ (المؤمن، ص ۱۶).

مردم را از جبهه رفتن و جهاد و رزم باز دارد؛ بلکه می‌خواهد اهمیت این کار را نشان دهد و بگوید در جایی که نیازی به جبهه رفتن نیست، این کار، ثوابش از جبهه رفتن بیشتر است؛ نه اینکه در جایی که جامعه اسلامی به جهاد و مجاهد نیاز دارد، مردم جبهه‌ها را خالی بگذارند تا دشمن وارد خاک کشور اسلامی شود، بعد بگویند: «میان زن و شوهر را اصلاح کنید؛ چون این، ثوابش بیشتر است». این روایات در واقع، اهمیت پیشگیری از متلاشی شدن خانواده را بیان می‌کند.

بنابراین از آنجا که اهمیت حج و اهمیت شهادت در راه خدا بین مسلمانان معلوم است، پیشوایان اسلام برای توجه دادن مسلمانان به ارزش و اهمیت مسائل مهم اجتماعی که نقشی اساسی در سازندگی جامعه دارند، آنها را با حج و جهاد مقایسه کرده و به کسانی که در کنار وظایف واجب خودشان، به این مسائل پرداخته‌اند، مژده داده‌اند که ثواب شما، بیشتر است و خداوند از فضل خود پاداشی به شما عنایت می‌کند که با حج مستحبی و عمره مستحبی قابل مقایسه نیست. بنابراین علت مضاعف بودن پاداش در اموری که به آنها اشاره شد، این است که مردم خیال نکنند همه ثواب‌ها در حج و عمره خلاصه می‌شود و به این سلسله امور نیز تشویق شوند (ر.ک: محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۸ش، شماره اول، ص ۱۱).

نتیجه

آنچه گفته شد، نشان می‌دهد که وقتی گفته می‌شود زیارت امام با چندین حج مستحبی برابر است، یعنی تا ولایت اهل بیت علیهم‌السلام نباشد، حج که جامع‌ترین عبادات است، مفهوم و معنا ندارد و در واقع، همه این عبادات می‌خواهند مسلمانان را برای حکومت جهانی اسلام به رهبری حضرت ولی عصر عجل‌الله‌تعالی‌فیهم آماده کنند. پس مهم‌ترین پیام سیاسی تأکید بر زیارت حرم امامان علیهم‌السلام، زمینه‌سازی برای حکومت ایشان است.

پیام مزبور از زیارت همه حرم‌ها قابل استنباط است؛ اما زیارت هر امامی که این محتوا را بیشتر برساند و مردم را برای تشکیل حکومت جهانی حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فیهم بیشتر آماده کند و برای زمینه‌سازی حکومت جهانی اسلام، مناسب‌تر باشد، فضیلت و ارزش بیشتری دارد. از این رو

در روایات بر زیارت حرم امام حسین علیه السلام تأکید بیشتری شده است و به همین دلیل است که این زیارت، تأثیر بیشتری دارد. البته در بعضی اوضاع سیاسی - اجتماعی، ممکن است این پیام در زیارت یکی دیگر از امامان، نمود بیشتری داشته باشد؛ مانند زیارت امام رضا علیه السلام؛ اما به طور کلی، در طول تاریخ، تا ظهور حضرت امام زمان، پیامی که زیارت قبر مطهر امام حسین علیه السلام برای تشکیل حکومت اسلامی دارد، از همه امامان علیهم السلام، قوی تر است و به همین جهت، تأکید بیشتری بر زیارت سیدالشهدا علیه السلام شده است.

فهرست منابع

کتاب‌ها

* قرآن

۱. ابن تیمیة، احمد بن عبد الحلیم (۱۴۰۶ق). منهاج السنة النبویة فی نقض کلام الشیعة القدیریة، تحقیق: محمد رشاد سالم، جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية، چاپ اول.
۲. ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶ش). کامل الزیارات، تصحیح عبدالحسین امینی، نجف اشرف، دار المرتضویة، چاپ اول.
۳. خزاز رازی، علی بن محمد (۱۴۰۱ق). کفایة الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثنی عشر علیهم السلام، تصحیح عبداللطیف حسینی کوهکمری، قم، بیدار.
۴. شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۶ق). ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم، دار الشریف الرضی للنشر، چاپ دوم.
۵. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۷ق). تهذیب الأحکام، تحقیق حسن الموسوی الخراسان، تهران، دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم.
۶. عابدی، احمد (بی تا). توحید و شرک در نگاه شیعه و وهابیت، بررسی و نقد افتراءات دکتر قفاری بر مذهب شیعه، تهران، مشعر، چاپ اول.
۷. قفاری، ناصر بن عبدالله (۱۴۱۴ق). اصول مذهب الشیعة الإمامیة الإثنی عشریة - عرض و نقد -، بی جا، بی نا، چاپ اول.
۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم.
۹. کوفی اهوازی، حسین بن سعید (۱۴۰۴ق). المؤمن، قم، مؤسسة الإمام المهدي عجل الله تعالی فرجه، چاپ اول.
۱۰. مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار، تحقیق جمعی از محققان، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم.

مقاله‌ها

۱۱. آقای، یاسر (۱۳۸۷ش). «مبانی فکری و اعتقادی زیارت»، مجموعه مقالات هم‌اندیشی زیارت، قم، مشعر، چاپ اول.
۱۲. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۸ش). «زیارت و امامت»، فصلنامه فرهنگ زیارت، شماره اول.